

● خطوط اصلی مکتب اقتصادی اسلام (۳)

● ناصر مکارم شیرازی

اسلام

برای مسائل اقتصادی

اولویت خاصی قائل شده



نه فقط «بیت المال» ستون فقرات «حکومت اسلامی را تشکیل می دهد، بلکه دریافت جامعه و اسلامی مسأله «توزیع عادلانه ثروت» و مبارزه با «تراکم» و «تکثیر» و «کنز» و برخورداری از يك «اقتصاد سالم و مستقل» یکی از ارکان اصلی است.



فراموش نمی کنم در آن موقع که سانسوربشدت در مطبوعات حکومت می کرد روزی مدیرکل مطبوعات وقت، ضمن گلایه و شکایت از مندرجات «مکتب اسلام» (همان مندرجاتی که هم گروهی از مردم از آن ناراضی بودند چون به گفته آنان زیاد داغ نبود، و هم دولت چون تحریک آمیز و خطرناک و برخلاف به اصطلاح مصالح عالی کشور بود) می گفت: می دانید امتیازمجله مکتب اسلام، دینی و علمی است، بنابراین حق ندارید فراتر از این موضوع بروید و در مسائل سیاسی دخالت کنید!

سپس اضافه کرد باید: از نماز بنویسید، از روزه بنویسید . . .

اما چون سکوت و نگاه پرمعنای مرا دید، پیش از آنکه سخن بگویم فوراً خودش افزود: می دانم خواهید گفت: اسلام امر به معروف هم دارد، نهی از منکر هم دارد،

سال نوزدهم شماره ۱

( جهاد هم دارد ) ولی آقا ! . . . اینها رانمی توان نوشت ! . . .

دیدم حتی این « مدیر مأمور » نیز می داند که اسلام منحصر به يك رشته مسائل عبادی نیست ( هر چند عبادت‌هایش نیز اگر بگونه صحیح انجام گیرد حرکت آفرین است ) بلکه مجموعه‌ای است از مسائل حیات و زندگی با تمام نیازهایش ، اما از آنجا که ، راه آنها ، راه تسلیم در مقابل اسلام نیست ، بلکه به پیروی از مکتب منافقان فو من بعض و تکفر بعض تا آنجا قبولش دارند که با منافسان سازگار است ، در غیر این صورت با آن ، خدا حافظی می کنند ، سعی دارند اسلام را از هر گونه تحرکی جدا سازند .

قرآن چه زیبا و رسا دربارهٔ موقف اسلام در برابر مسائل زندگی سخن گفته : (( ای ایمان آورندگان ! دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید ، آنگاه که شما رابه سوی حیات و زندگی فرا می خواند )) (۱)

بدیهی است آئینی که در کلمه حیات و زندگی خلاصه می شود ، و برای تمام گروهها ، زندگی ساز است ، نمی تواند برای مسأله حیاتی اقتصاد دقیق ترین برنامه را تنظیم نکند . آنها که وقتی سخن از (( مکتب اقتصادی اسلام )) به میان می آید با تعجب می گویند مگر مذهب نیز مکتب اقتصادی دارد ؟ مسلماً الگوی مذهب را از مذاهب همچون « مسیحیت کنونی » گرفته اند که برائت‌تحریفها و دیگر گونیها عملاً مرده است ، و در حال حاضر تقریباً در مراسم تولد و ازدواج و مرگ و نیایش‌های مخدر روز یکشنبه ، و گناه بخشی ( یعنی دادن آرامش کاذب به گناهکاران ) و دست بالا توصیه‌های بی‌رمق اخلاقی ، خلاصه می شود . به هر حال علی‌رغم اینگونه پندارها ، اسلام نه تنها برای مسائل اقتصادی برنامه دارد ، بلکه اولویت خاصی که در خور این موضوع حیاتی است برای آنان قائل شده است .

\* \* \*

اسلام از دوزاویة مختلف ، این مسأله را مورد دقت قرار می دهد :

#### ۱ - از جنبهٔ حکومت :

می دانیم که نخستین گامی که پیامبر (ص) در مدینه برداشت تشکیل حکومت اسلامی بود ، زیرا هیچ برنامه اجتماعی و اصلاحی بدون اتکاء به يك حکومت صالح ، جنبه عینی و عملی پیدا نمی کند بلکه دريك مشت ذهنیات خلاصه خواهد شد ، و اگر می بینیم در « مکه » سخنی از مسأله تشکیل حکومت نبود ، برای این بود که پیامبر (ص) در دوران مکه دست در کار ساختن عناصر آگاه و بیدار و انقلابی که بتوانند حکومت صالحی را بگردانند ، شده بود . و بدون شك تشکیل بیت المال جزء غیر قابل انفکاک حکومت است .

مطالعه مصارف هشتگانه ((زکات)) نشان می‌دهد که حکومت اسلامی برای تشکیل ارتش، و همچنین مبارزه با فقر اقتصادی، و نیز انجام مسائل عمرانی و مانند آنها خود را نیازمند به تقویت بیت‌المال می‌بیند. (۱)

جالب اینکه در آیات قرآن، مسأله ((جهاد باجان)) در کنار «جهاد با اموال» قرار داده شده است، یعنی این دو در بافت حکومت انقلابی اسلام باید توأماً مورد توجه قرار گیرند.

قابل توجه اینکه اموال بیت‌المال اسلامی چیزی نیست که با خواهش و تمنا از مردم خواسته شود، بلکه به عنوان يك حق مسلم می‌بایست گرفته شود. تعبیر آیه و جوب زکات خذ من اموالهم صدقة تطهروهم و تزكیهم بها (سوره توبه - ۱۰۳) که با جمله «خذ» یعنی، «بگیر» شروع می‌شود، و پرداخت آنرا سبب پاکی و نمو جامعه می‌داند شاهد گویای این مدعا است:

و نیز آیه «خمس» با جمله فان لله خمسہ وللرسول: «يك پنجم مازاد درآمد مردم برای خدا و پیامبر... می‌باشد» شرکت «بیت المال و ارباب خمس» را به عنوان مالك مشاع در اموال عمومی مردم، اعلام می‌دارد، و این گواه دیگری بر این موضوع است بنابراین حکومت اسلامی علاوه بر اموال اختصاصی که در اختیار دارد، و بعداً به آن اشاره خواهد شد، در اموال خصوصی همه مردم نیز ضوابطی، شریک و سهم است و به این ترتیب پیوند ناگسستنی خود را با مسائل اقتصادی مردم حفظ می‌کند.

ذکر «صلوة» و «زکات» در کنار هم در آیات فراوانی از قرآن نشان می‌دهد که دریافت حکومت اسلامی توجه به خالق (نماز) و توجه به خلق (زکات) همچون «تار» و «پود» يك پارچه، لازم و ملزوم یکدیگرند.

توجه به این نکته که سر باز زدن از پرداخت زکات در برابر حکومت اسلامی در حکم ارتداد و خروج از صفوف مسلمین محسوب می‌گردد، و حتی می‌توان بر ضد چنین کسانی دست به مبارزه مسلحانه زد، موضوع پیوند حکومت اسلامی را با مسائل اقتصادی روشن‌تر می‌سازد.

\* \* \*

## ۲ - از نظر اجتماعی:

گذشته از سازمان حکومت اسلامی، اولویت مسائل اقتصادی را در سازماندهی

۱ - انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب والفارمین وفي سبیل الله و این السبیل. توبه: ۶

«جامعه اسلامی» از اموزیر ، به وضوح می توان دریافت :

الف - اموال و ثروتها در متون منابع اسلامی به عنوان يك وديعه الهی در دست انسانها و يك «خیر» مطلق و يك ركن اصیل اجتماع معرفی شده :

قرآن می گوید: **وَاتَّقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ** : از آنچه خدا شمارا نماینده خویش در آن ساخته اتفاق کنید (سوره حدید آیه ۷)

و در سوره نور آیه ۳۳ می گوید : **فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عِلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ** : «بر دکان خود را از طریق قرارداد آزاد کنید و از اموال الهی که در اختیار شما گذارده ، به آنها بدهید»

و نیز می خوانیم : **كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ...** شما مقرر شده که هر گاه مرگ یکی فرا رسد، اگر خیری (مالی) بجا گذارده وصیت کند (بقره - ۱۷۶) کلمه «خیرا» که بدون هیچ قید و شرط آمده بیانگر این حقیقت است که اموالی که از طریق مشروع (و نه از طریق استثمار و چپاول و غارتگری و تجاوز به حقوق دیگران) به دست آمده خیر مطلق است یعنی خیر برای دین ، خیر برای دنیا ، خیر برای پیشبرد برنامه های فرهنگی ، خیر برای برقرار ساختن عدالت اجتماعی ، و خیر برای دفاع از استقلال و آزادی يك جامعه و . . . .

ب - فقر اقتصادی را انگیزه گناه، و بی نیازی مادی را مایه کمک به تقوی و معنویت شمرده است.

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: **نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغَنَى** : بی نیازی ، کمک خوبی برای تقوی و پرهیز گاری است . (۱)

و در سخنی از امام صادق (ع) می خوانیم : **غْنَى يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ** : «بی نیازی بودن که تورا از اثم بازدارد بهتر از فقری است که تورا به گناه وادارد . (۲)

ج - درباره ای از متون اسلامی فقر مالی سرچشمه کفر و بی ایمانی شمرده شده و حدیث «**كَاذِبٌ الْفَقْرَانُ يَكُونُ كَفْرًا**» از پیامبر اکرم (ص) مشهور است .

د - قسمت بسیار مهمی از فقه اسلامی که از آیات و روایات مایه می گیرد صرفاً مربوط به نظامات اقتصادی و قوانین و مقررات آن است .

کتاب های متعددی از فقه تحت عنوان : کتاب غصب ، کتاب دیون ، کتاب مزارعه ، کتاب مساقات ، کتاب متاجر ، کتاب احیاء موات ، کتاب شفعه ، کتاب وقف ، کتاب وديعه ،

کتاب رهن، کتاب مصالحه کتاب لقطه (اموال گمشده) و مانند اینها تحریر یافته، و مسائل حقوقی مالی با تمام ریزه کاری‌هایش بر اساس تأمین عدالت اجتماعی در آنها مورد بحث قرار گرفته و نشان می‌دهد تا چه اندازه اسلام برای این مسائل اهمیت قائل است.

\* \* \*

۵- در تعلیمات اسلام مخصوصاً مسائل مربوط به کنترل ثروت و مبارزه با «تراکم» و «تکثر» و «کنز» و جلوگیری از تبدیل جامعه به دو قطب «ثروتمند» و «فقیر» از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، که شرح جزئیات آنرا در مباحث آینده بخواست خدا خواهیم دید، و با توجه به آن، تصدیق خواهید کرد که جامعه امروز ما که به غلط نام جامعه اسلامی بر آن می‌گذاریم و شاهد انواع و اقسام بهره‌کشی‌ها، استثمارها، بیعدالتی‌ها، و تجاوز به حقوق دگران، در آن هستیم، کمتر شباهتی به یک جامعه اسلامی دارد. (ادامه دارد)

## حق و باطل

پیامبر (ص) فرمود: گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اقبل الحق ممن اتاك به: من صغير او كبير وان كان بغیصا  
بعیدا وارد الباطل علی من جاك به من صغير او كبير وان كان  
حبیباً قریباً :

سخن حق را از هر کس شنیدی بپذیر، اگرچه دشمن و بیگانه باشد،  
و ناحق را از هر که شنیدی نپذیر اگرچه دوست و نزدیک باشد!

سخنان محمد (ص) صفحه ۳۰